



آریانا افغانستا آن لاین

ملا، سیاسو ادب و ادبیات پانه



<http://www.arianafghanistan.com>

عنوان مضمون: مذاکرات بین افغانستان و پاکستان در کنفرانس قلب آسیا

اسم: بهرام ابهر محل سکونت: جرمنی تاریخ: 17.12.2015
جناب محترم غنی صاحب عرض ادب بنده را هم بپذیرید!

من نه تنها فکر نمی کنم بلکه متیقن هستم به فرموده شما که ریسمان کشان کابل مجال فکر همچو مسایل را ندارند چه رسد به اینکه از دیدگاه های مختلف مانند اجتماعی، سیاسی و حقوقی هم به سویه ملی و بین المللی موضوع را مانند شطرنج بازان زبردست با چال های قشنگ در روی تخته به نمایش بگذارند.

به نظر من جواب سؤال شما که خط دیگری که حد فاصل بین دو کشور را تعیین می کند کدام خط است، منطقاً باید همان خطی باشد که قبل از بد کردن انگلیس ها به سر گردگی دیورند از بدنه افغانستان جدا شده.

فرض کنید من حکومت و دولت پاکستان هستم و همان بدنه جدا شده را دو باره به افغانستان به اساس یک قرارداد و همزیستی مسالمت آمیز مسترد کنم. آیا فکر می کنید با موجودیت تشنجات ملی و بین المللی در منطقه، صلح و رفای اجتماعی باین حکومت های دست نشاندۀ غرب در کشور خواهد آمد.

من به حیث یک فرد امروز فکر می کنم سر زمین های تمام جهان مربوط کشورم و خودم است و آنرا فضل خداوند کس از من گرفته نمی تواند و من هم همه آنرا در بغل خود گرفته نمی توانم. زندگی کردن خوب و بد مربوط به طرز فکر و سویه فکری و تعلیمی هم می شود.

اگر اطلاع شما درست باشد که سرحد موجود بین افغانستان و پاکستان از طرف جامعه جهانی به رسمیت شناخته شده و این سرحد و خط دیورند در ملل متحد هم مسجل گردیده و به رسمیت شناخته شده است پس از امکان به دور خواهد بود که همان جامعه جهانی که دولت افغانستان قمر و نوکر آن است این وجیه را حمایت کند. قاضی محکمه بین المللی و یا ملل متحد هم امروز حتی به سویه ریس سازمان ملل متحد خریده شده ها هستند و در اخیر فیصله به نفع گاو بازان تمام می شود.

آیا ساختار سازمان ملل متحد خودش با داشتن شورای امنیت و 5 عضو دایمی آن که با حق رد یک عضو آن 4 عضو دیگر دست به چانه نشسته و صدای خود را کشیده نمی توانند یک سازمان عدالت است.

حقوقدانان افغانستان هم اگر موضوع را سیاسی فکر کنند عوض پیشنهاد معقول و اساسی و درست حقوقی در بغرنج شدن مسئله با ندانستن چال درست همکاری می کنند.

من هم مثل شما به انتظار نظر حقوق دانان و دانشمندانی که درین خصوص روشنی درست انداخته بتوانند، هستم. شما هم موفق باشید.

بهرام ابهر

اسم: جلیل غنی محل سکونت: کالیفرنیا تاریخ: 17.12.2015
جناب ابهر عرض ادب دارم خدمت شما

از معلومات عالی و جامع شما در مورد معاهدات بین دولت ها و نحوه و شرایط عقد چنین معاهدات یک جهان سیاس. چنین معلوماتی می تواند بر روشن شدن موضوع اثر بسیار خوبی داشته باشد گر چه امید نمی رود که زمامداران افغانستان در پی بر رسی و یا اقدام قانونی بر مبنای اصول حقوق بین الدول اقدامی بکنند چون گرفتاری های مربوط به ریسمان کشی های بین دو سر حکومت آن قدر زیاد است که مجال تفکر به به مسایل دیگر را از آنها سلب کرده است.

اما نزد من و شاید نزد بسیاری ها این سوال مطرح باشد که اگر دولت افغانستان چه در گذشته و چه حالا خط دیورند را به حیث سرحد بین افغانستان خط دیورند را به حیث سرحد بین افغانستان و پاکستان قبول ندارد، که ندارد، خط دیگری که حد فاصل بین دو کشور را تعیین می کند کدام خط است و شامل کدام عرض البلد و طول البلد و مناطق و روستا ها و تپه ها و قله ها و مرتفعات و وادی ها می شود. همیشه گفته شده که این خط مورد قبول نیست ولی هیچ گاهی گفته نشده که ساحه مورد منازعه چه حدودی دارد.

در رابطه به سوال شما از بنده که مرا ژورنالیست جهانی خطاب نموده اید و از این لقب سخت تکان خوردم زیرا خود را شاگرد ژورنالیزم میدانم، باید عرض کنم تا جاییکه من اطلاع دارم سرحد موجود بین افغانستان و پاکستان از طرف جامعه جهانی به رسمیت شناخته شده و این سرحد و خط دیورند در ملل متحد هم مسجل گردیده و به رسمیت شناخته شده است. شاید اگر دولت افغانستان توانائی و حمایت جهانی را درین خصوص داشته باشد و به محکمه بین المللی و یا ملل متحد جهت حل این اختلاف با پاکستان مراجعه نماید جوابی بتواند بدست آورد و یا راه حلی بیابد. از جانب دیگر از حقوق دانان افغانستان هم انتظار می رود تا بجای شعار دادن و بر خورد احساساتی به این معضله، ارزیابی قانونی از این مشکل نموده و راه حل قانونی مطابق به حقوق هر دو طرف معاهده و شرایط عقد آن جستجو نمایند.

بار دیگر از توجه شما و معلومات عالی شما درین زمینه تشکر و به انتظار نظر حقوق دانان و دانشمندی که درین خصوص روشنی انداخته بتوانند می نشینیم. موفق باشید.

جلیل غنی

اسم: بهرام ابهر محل سکونت: جرمنی تاریخ: 15.12.2015
برادر محترم و دانشمند غنی صاحب

ملت افغانستان که شما هم جز آن هستید هر گاه از شما به حیث یک ژورنالیست جهانی در مورد مشکلات که سالیان دراز افغانستان با آن مواجه است و مربوط به مناسبات افغانستان و پاکستان می شود سوال کنند جواب تان چه خواهد بود.

غرض معلومات در یک کتاب بنام روابط بین المللی افغانستان از نگاه حقوق عمومی بین الدول چنین آمده: "کشور پروتکتورات خودش راساً نمیتواند با ممالک خارجی مناسبات قایم نمایند و در این مورد اهلیت معاملاتی وی یا کاملاً یا قسمیاً به مفاد دولت پروتکتورات از بین می رود. لیک کشور پروتکتورات در مسایل داخلی خود کاملاً دست آزاد می داشته باشد. افغانستان نظر به پیمان گندمک پروتکتورات انگلستان گردید لیک با در نظر داشتن جمله دوم ماده پنجم قرارداد مذکور در مسایل داخلی خود آزادی کامل داشت زیرا نظر به ان انگلستان خود را مکلف پنداشت تا نماینده اش هیچ گاهی در مسایل داخلی افغانستان دخالت نوزد. بناً این جمله به صراحت می رساند که افغانستان در مسایل داخلی خود کاملاً دست آزاد داشت و در این مورد حق خود ارادیت کشور مذکور با بر جا بود. البته طوریکه تاریخ شاهد قول ماست، انگلیس ها با پیروی از سیاست توسعه نفوذ که در سایر ممالک پروتکتورات خود در افریقا و آسیا در پیش گرفته بودند، هدف شان این بود تا با توسعه نفوذ خود حق خود ارادیت را نیز از افغانستان سلب نموده و موقف پروتکتورات را بیک موقف منطقه تحت نفوذ تبدیل نموده و حق خود ارادیت افغانستان را در مسایل داخلی نیز از بین بردارند." نویسنده می نویسد که افغان ها متوجه این شدند و در ماه سپتامبر 1879 اغتشاش علیه انگلیس ها در کابل که مشهور به جنگ دوم افغان و انگلیس است، شد. بعداً نویسنده دوره تحت الحمایگی را از 1879 الی 1919 که افغانستان حق خود ارادیت داشت با یک مثال دیزاین می کند. به اساس پیمان 31 اگوست 1907 منعقد بین روسیه و انگلستان روسیه موافقه نمود بر اینکه افغانستان ماورای ساحه نفوذش باشد و در مقابل انگلستان تعهد نمود تا در معاملات داخلی افغانستان دخالت نوزد. در یک پیمان دیگر بین اتحاد شوروی و آلمان منعقد 3 مارچ 1918 در ماده 7 آزادی اقتصادی و سیاسی افغانستان از طرف ممالک مذکور شناخته شده. نویسنده بعد از تشریح پروتکتورات کامل و ضعیف افغانستان را به مقایسه سایر تحت الحمایگی های دول اروپایی در قاره آسیا و افریقا ضعیف دانسته و دلیل انرا اقامت یک هیئت دیپلوماسی آلمانی تحت ریاست نیدر مایر فون هنتینگ در جریان جنگ عمومی اول در 1915/1916 می داند. زیرا یک کشور پروتکتورات نمی تواند با ممالک خارجی تماس قایم کند. انها وظیفه داشتند تا افغانستان را علیه انگلستان بر انگیزند. نویسنده کتاب ذکر شده در ادامه بحث خود در صفحه 20 کتاب چنین نتیجه می گیرد:

"افغانستان در دوره پروتکتورات یعنی از سال 1879 تا سال 1919 به حیث یک دولت پروتکتورات حایز شخصیت حقوق عمومی بین الدول بوده و این شخصیتش در جریان دوره پروتکتورات دست نا خورده ماند".

متأسفانه نویسنده در کتاب خود در مسله دیورند تماس نگرفته که آیا از نگاه حقوق عمومی بین الدول چه موقف حقوقی دارد و یا داشت.

از اینکه نظریات و تبصره های بنده را عالمانه گفته اید یک کمی خار خوردم اما باز هم کوشش می کنم که در نظریاتم از چوکات منطق خارج نشوم که در غیر ان خودم را کیف نمی کند. من با وجودیکه فارغ دو پوهنتون با دو تحصیل هم هستم اما برایم مشکل می افتد خود را در جمله علما بدانم. باز هم از لطف تان تشکر ما هم مثل احمد ظاهر مرحوم عالم اماتور هستیم.

دلیل انر هم نویسنده این ذکر می کند که انگلیس ها بعد از پیمان گندمک متوجه عکس العمل شدید افغان ها شدند هر گاه در حوزه صلاحیت داخلی شان دخالت شود.

اسم: جلیل غنی محل سکونت: کالیفرنیا تاریخ: 15.12.2015
برادر محترم جناب ابهر

از اینکه بر تبصره قبلی شما دیر تر جواب میدهم معذرت مرا به پزیرید گر چه بهتر شد که اکنون در هر دو مورد نظری داشته باشم.

در رابطه با نظریات شما در تبصره قبلی باید عرض کنم که شما به نقاط اساسی و مهمی اشاره نمودید که از سالیان دراز افغانستان با آن مواجه است و این مشکلات مربوط به مناسبات افغانستان و پاکستان را جز ملت افغانستان هیچ مرجع دیگری حل کرده نمی تواند. در رابطه با اهداف و منافع غرب در مجموع، باید گفت که به قول معروف «هیچ گریه ای برای خدا موش نمی میگیرد» اما این به درایت رهبران و ملت ها بستگی دارد که چگونه می توانند با در نظر داشت منافع ملی شان از چنین شرایط و اوضاعی به نفع شان استفاده کنند که متأسفانه فقدان

چنین رهبری در کشور به خون خفته ای ما به منظور کسب قدرت و یا حفظ آن، باعث معامله گری های بر منافع ملی گردیده است.

در مورد تبصره دوم شما در رابطه با صلاحیت مشروع و قانونی امیران افغانستان برای عقد معاهدات چه خوب شد که این موضوع را مطرح نمودید که باب یک بحث علمی و حقوقی را گشوده اید و امید است صاحب نظران و دانشمندان با تحلیل و تجزیه و گشودن زوایای تاریک این موضوع عمده تاریخی و حقوقی زمینه درک بهتر از اوضاع و موقف افغانستان را فراهم سازند.

مرام از طرح یک موضوع ملی و حیاتی در دریچه نظریات اینست تا چنین موضوعاتی ریشه یابی شود و این دریچه در روشنگری و ارائه معلومات نقش بایسته ای را انجام دهد.

از نظریات و تبصره های عالمانه شما ممنون .

اسم: بهرام ابهر محل سکونت: جرمنی تاریخ: 14.12.2015

جناب محترم برادر عالیقدر جلیل غنی

می خواهم بدین وسیله یک معلومات را که در اثر رهنمایی شما با ابراز تشکر وصول کردم به عرض برسانم که از نگاه حقوقی و حقوق عمومی بین الدول یک طرف قرارداد کشور استعمار ی انگلیس و جانب مقابل آن یک کشور تحت الحمایه قرار داشت. یعنی امیر افغانستان هم از نظر داخلی و هم از نظر اصول حقوق بین الدول، واجد شرایط حقوقی برای عقد چنین یک معاهده سرنوشت ساز نبود.

با عرض حرمت

اسم: بهرام ابهر محل سکونت: جرمنی تاریخ: 12.12.2015

عالیقدر محترم جلیل غنی از امریکا

من شما را متوجه اشتباه تان کردم و گر نه می دانستم که منظور شما چیست یعنی به فرموده خود شما "هر کوری میداند که دلدۀ شور است".

قبل از اینکه بتوانم عمیقتر نگاه خود را در موضوع مذاکرات بین افغانستان و پاکستان در کنفرانس قلب آسیا برای تان ابراز بدارم قابل یادآوری می دانم که زمانی یک متعلم مکتب موفق به امتحان کانکور شده می تواند که تماماً تجارب گذشته 12 - 13 سال خود را در زمینه بکار برده بتواند.

از سال 2002 به این طرف نزد احصایه آن وجود ندارد که چقدر افغان توسط قوای بین المللی به نام های مختلف از بین برده شده است و کنون هم همین قوای بین المللی موفقانه افغان ها را چه در این طرف چه در آن طرف سرحد توسط خود افغان ها می کشند. در نتیجه این قتل و قتال ها و دیگر خرابی ها حالت فعلی آمده که باید توسط مذاکرات بین پاکستان و افغانستان حل گردد. مسئله داخلی یعنی وضع اجتماعی مردم را اگر شامل این مشکل کنیم بهتر می توانیم حدس بزنیم که تا چه اندازه حکومت کابل قادر به حل این مشکل است.

به نظر من تا زمانیکه مشکل اساسی یعنی یک حکومت ملی قوی در افغانستان به وجود نیامده مسئله طالبان و پاکستان نا حل باقی خواهد ماند.

اهداف امریکا و اروپا به شکل بسیار ساده آن همیشه هدف اقتصادی بوده و در آینده هم خواهد بود. قرار معلوم در منطقه آسیای میانه منابع سرشار مواد خام یعنی شاهرگ تخنیک غرب افتاده است. اهداف اقتصادی را مخصوصاً منطق که ضعیف بود با نفوذ سیاسی و نظامی می توان به بهترین صورت آن بر آورده ساخت.

همین اروپایی ها بودند که در قرن 15 و 16 امریکا را چور کردند و فرهنگ اصیل آنرا تقریباً نابود کردند. در قرون بعد آن افریقا و آسیا را مستعمره ساختن تا اینکه توسط جنبش های آزادی بخش وضع تغییر کرد.

این یک اشتباه بسیار بزرگ خواهد بود که فکر شود در عمل کرداروپایی ها در قرن 21 تغییر آمده منتها حالا به انواع مختلف دیگر همان پروگرام های شان به نام های دیگر در جهان در جریان است.

چینایی ها این را درک کرده اند و موفقانه بدون نشانندن ماریونیت های خود در قدرت سیاسی کشور هایی مانند افغانستان تجارت اقتصادی خود را به پیش می برند. فعلاً بزرگترین مشکل امریکا و اروپا مقابله با این سیاست چین در مناطق مختلف جهان است. شما اگر به چین تشریف برده باشید و پیشرفت اقتصادی این کشور را دیده باشید و ضرورت مواد خام این کشور را حدس زده بتوانید آن وقت متوجه می شوید که مشکل اساسی جنگ در افغانستان امریکا و اروپا است. آیا همین غرب نبود که آدم کشان را بالای افغانان بعد حادثه نیویارک سر قدرت نشانند.

غرض رقع سوء تفاهم باید عرض کنم که منظورم از اینکه چرا شاه محمود خان از فرصت دادن به پشتون ها و بلوچ ها برای تشکیل حکومت شان حرف می زند، این بود که حکومت پشتون ها و بلوچ خود در حقیقت همان حکومت کابل بود در صورتیکه خط دیورند قبول نشود.

به نظر من متخصصین حقوق و دانشمندان حقوق بین الدول هم نمی توانند موافقتنامه های حقوقی بین کشور ها را غیر از آنچه در موافقتنامه ابراز گردیده تجزیه و تحلیل کنند.

از یاد آوری کتب متذکره تشکر که همین حالا هم همه شان نزد من است و از مطالعه ام هم گذشته اند اما باز هم موارد مربوطه را یک نگاه خواهم کرد و اگر حوصله داشتید آنرا هم بحث خواهیم کرد.

اسم: جلیل غنی محل سکونت: کالیفرنیا تاریخ: 11.12.2015

جناب عالیقدر بهرام ابهر از جرمنی

اول اینکه از اشتباه تاپیی که عالیقدر «عالقیدر» سهواً نوشته شده بود معذرت می‌خواهم اگر نه هر «کوری میداند که دلدۀ شور است»

در مورد نظر شما در رابطه با مذاکرات حکومت پیشین با پاکستان و پی آمد های ناگوار آن با شما موافقم ولی باز هم مجدداً عرض کنم که صحبت از وضع کنونی و مذاکره در شرایط موجود با پاکستان است نه آنچه که حکومت گذشته انجام داده. در مورد اهداف امریکا و اروپا در منطقه امیدوارم ما را هم تنویر نمایند

در رابطه با جنبه های حقوقی این معاهدات با هند برتانوی بهتر است متخصصین حقوق و دانشمندان حقوق بین الدول ابراز نظر نمایند چون همانطوری که گفتم موضوع معاهدات مربوط به سرحدات افغانستان یک مسأله ساده نیست که بتوان در یکی دو مقاله آنرا حل نمود و بر درستی و یا نادرستی آن حکم کرد و این موضوعات از تقریباً یکصد سال به اینطرف تحت بحث و تجزیه قرار داشته است.

اینکه چرا شاه محمود خان به گفته شما از فرصت دادن به پشتون ها و بلوچ ها برای تشکیل حکومت شان حرف می زند، باید گفت که شاه محمود خان صدراعظم افغانستان بود و به نمایندگی از حکومت افغانستان این مساله را یاد آور شده بود که در متن مقاله نیز گفته شده بود شاه محمود خان صدراعظم افغانستان.

اما برای اینکه معلومات شما در مورد حدود و ثغور سرحدات افغانستان با تمام جزئیات آن مکمل شود و ضمناً همه سوال های شما درین رابطه حل گردد که نه تنها متون کامل این معاهدات بلکه تحلیل ها و تجزیه ها و نارسائی ها و کمی ها و کاستی های آنها نیز توضیح شده باشد، در ذیل چند اثری که هر یک بعد از سالها تحقیق و تتبع و مستند توسط مورخین نامدار افغانستان نگاشته شده و همه جزئیات با تمام جوانب آن بر رسی و تدقیق شده خدمت تقدیم میدارم:

M. Hassan Kakar, A political and Diplomatic History of Afghanistan 1863-1901 1

Page: 177-192

2 - غبار، میر غلام محمد: افغانستان در مسیر تاریخ جلد اول ص: 774-785

3 - فرهنگ، میر محمد صدیق. افغانستان در پنج قرن اخیر ص: 533-557

4 - مجددی، فضل غنی: افغانستان در عهد اعلیحضرت امان الله خان 1919-1929 ص: 77-94

باز هم از توجه شما تشکر

اسم: بهرام ابهر محل سکونت: جرمنی تاریخ: 10.12.2015

باز هم خطاب به برادر محترم عالیقدر محترم جلیل غنی

با اظهار معذرت از مزاحمت بنده در مورد یک موضوع در ارتباط نوشته تان به ژورنالیست زیر دست کشور محترم محمد عارف عباسی که در اخیر نوشته تان از آن ذکر نموده اید یک چند حرف دارم که باید به عرض تان برسانم در غیر یک پله ترازو در هوا می ماند.

ما و شما یک ضرب المثل داریم که تا درخت را شور ندهید خود به خود شور نمی خورد. شما درست فرموده اید که: "اما راه حل این معضله تربیه، تجهیز و تمویل و گسیل دهشت افگنان و ریختاندن خون ده ها هزار بیگناه زن و مرد و طفل افغان که پاکستان آنرا پیشه نموده، نیست".

این ضعف همان حکومت کل و کور کابل از اوایل بدست گرفتن قدرت بدست شان بود که نه تنها نا رضایتی مردم خود را باعث شدند بلکه سران پاکستان را هم. در نتیجه جهت شمال تغیر خورد که تا توانستن افغانستان را غرق کردند تا خود را حفظ کنند.

موضوع مقاله شما را من دانسته بودم که مسله مذاکره بود اما یک طرف مذاکره را باز هم همان حکومت قبلی کابل تشکیل می دهد که در ماهیت آن کدام تغیر عمده نیامده.

اینکه جامعه بین المللی یعنی امریکا و اروپا در منطقه چه اهدافی را به پیش می برد بی مورد نیست که از آن هم ذکری گردد.

اسم: بهرام ابهر محل سکونت: جرمنی تاریخ: 10.12.2015

جناب محترم عالیقدر نه عالقیدر آغای جلیل غنی

از لطف و توجه تان به تبصره بنده تشکر.

هر گاه در همان 14 ماده قرارداد صلح کابل که به تاریخ 22 نوامبر 1921 بین افغانستان و انگلستان به امضاء رسیده تذکری در ارتباط سرحدات دو کشور نشده باشد، به نظر من از نگاه حقوقی انگلیس ها موضوع را حل نموده اند. چونکه به اساس ماده اول هر دو کشور استقلال داخلی و خارجی همدیگر را به رسمیت شناخته اند. آیا به اساس این شناخت ساحات معین قسمت هایی از خاک افغانستان تحت تسلط هند برتانوی را هم به رسمیت شناخته؟

تعاملات بین المللی از نگاه حقوقی در این قسمت چه می گوید؟
نمی دانم چرا شاه محمود خان در یادداشت رسمی از فرصت دادن به پشتون ها و بلوچ ها حرف می زند تا حکومت خود را تشکیل بدهند در حالی که موضوع موضوع حکومت افغانستان بود تا در زمینه اقدام می کرد.

شما فکر می کنید که انگلستان با آن عظمت خود که هند را مستعمره گرفته بود و حالا یعنی 1946 و 1947 آنرا دو پارچه کرده بود به چنین تقاضایی اهمیت قایل می شد.

باید واقع بین باشیم در غیر ان سر خط از دست ما می رود.

اسم: عارف عباسی محل سکونت: کالیفرنیا تاریخ: 10.12.2015
از عطف توجه، مرحمت و حسن نظر هموطن محترم ام جناب بهرام ابهر پیرامون موافقت شان به نکات نظر بنده در این بحث سپاس گزارم.

اسم: جلیل غنی محل سکونت: کالیفرنیا تاریخ: 10.12.2015

عالمقیدر محترم جناب بهرام ابهر

هدف این مقاله تحلیل و ارزیابی و یا ریشه یابی طالبان و چگونگی به وجود آوردن آنها و یا بررسی نتایج کنفرانس بُن نبود که در آن خصوص تحلیل می شد و یا طالبان مجدداً بعد از بیست سالی که سر زبانها هستند، معرفی می شدند بلکه موضوع این مقاله مذاکره با پاکستان و نتایج احتمالی از این مذاکرات در قبال خواسته های معلوم و مجهول پاکستان و دور بودن موقف های افغانستان و پاکستان از یک دیگر بود.

روز چهارشنبه در حاشیه کنفرانس اسلام آباد اعلام شد که افغانستان و پاکستان به از سرگیری مذاکرات صلح با طالبان موافقه کردند و پاکستان بار دیگر وعده همکاری درین راستا داد.
هر گاه در آینده مذاکراتی با طالبان دایر گردد موضوعاتی را که شما مطرح نموده اید میتواند مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد ولی نخست باید دید که با کدام گروه از طالبان مذاکره خواهد شد زیرا بعد از اعلام مرگ ملا عمر حالا طالبان به چند گروه تقسیم شده اند.
سلامت باشید

اسم: عارف عباسی محل سکونت: کالیفرنیا تاریخ: 10.12.2015
دوست گرامی و محترم ام جناب جلیل غنی!

از توضیحات مزید و آموزنده شما کمال امتنان دارم. گاهی اتکاء به روایات بعضی از مؤرخین بنابر تمایلات خاص سیاسی شان و علائق شخصی تحلیل گر را از واقعیت ها دور نگه میدارد.

اسم: جلیل غنی محل سکونت: کالیفرنیا تاریخ: 10.12.2015
جلیل غنی

توضیحاتی بر تبصره ها و نظریات
در مورد مذاکرات قلب آسیا

دوست گرامی و همکار عالیقدر جناب عارف عباسی
از اینکه از مقاله اخیر من تحت عنوان « مذاکرات بین افغانستان و پاکستان در کنفرانس قلب آسیا » به نیکوئی یاد نموده اید یک جهان سپاس.
تشکیل دادن پاکستان توسط برتانیه بعد از انقسام هند برتانوی به هند و پاکستان، باعث ایجاد یک معضله منطقوی گردید که اکنون به یک بحران منطقوی منجر گردیده است. از یک طرف کشمیر، بین هند و پاکستان تقسیم شد و یک کتله عظیم دارای مشترکات عمیق فرهنگی و زبانی و قرابت های خانوادگی و قومی و عقیدتی از یکدیگر مجزا گردید و هسته تشنج را بین هند و پاکستان خلق نمود که تا کنون حل نگردیده و از جانب دیگر یک قوم بزرگ دیگر را با کشیدن خط معروف به دیورند از بدنه ملت افغانستان جدا ساخته و این جدائی و تقسیم را بر امیران دست نگر و محتاج افغانستان قبولاند که تا کنون این معضله حل نشده و ضربات این خط کشی های با نیات نا میمون سیاسی را ملت های منطقه تحمل میکنند. و در عین زمان پاکستان را به دو محل یک هزار کیلومتر دور تر از هم بدون ارتباط مستقیم و هم مرز بودن، به پاکستان شرقی و غربی تقسیم نمود تا اینکه پاکستان شرقی در سال 1971 در یک قیام آزادی خواهی به رهبری حزب مسلم لیگ به کمک هند و با تلفات سه صد هزار نفر استقلال خود را اعلام داشت ولی قضیه پشتون های آنطرف خط فرضی دیورند و کشمیر همچنان باقی است.
در رابطه با مناسبات هند برتانوی و افغانستان

لینک مرتبط...

اسم: بهرام ابهر محل سکونت: جرمنی تاریخ: 09.12.2015

به تایید مقاله در مورد کنفرانس "قلب آسیا" اثر محترم عالی مقام جناب عباسی صاحب نکات زیادی وجود دارد که بالای مقاله "مذاکرات بین افغانستان و پاکستان در کنفرانس قلب آسیا" مطابقت اساسی با واقعیت های چشم دید بنده ندارد. اولاً اینکه هیچ تذکری از چگونگی پیدایش طالبان در میدان سیاست منطقوی و جهانی که کی حامیان اصلی این گروه بوده برده نشده و بعد هم به علتی معلوم طالبان از میدان سیاست در افغانستان بر داشته شدند.

اشتبای بزرگ به سویه بسیار بالا در بن آلمان صورت گرفت که حکومت افغانستان بدست بی کفایتترین انسانان تاریخ افغانستان در صدر کور محمد کرزی در همجو یک مرحله اساس تاریخی آن گذاشته شد. هر گاه در همین زمان حکومت بدست اشخاص مجرب واقعاً دانای ملی و بین المللی داده می شد که به صورت فوری تشکیلات اداری قوی را با سرازیر شدن کمک های سرشار مالی در جهت انکشاف اقتصادی و اجتماعی کشور به کار می انداخت مشکل پاکستان و طالبان حل شده بود.

طالبان زمانی دو باره احیا شدند که مردم افغانستان متوجه شدند که حکومت به نفع شان کار کرده نمی تواند و نا رضایتی در سراسر افغانستان بالا شد. و کور محمد کرزی هم جامعه بین المللی را فریب داده قصور را بالای پاکستان انداخت. بنده متقد به این هستم که سازمان استخبارات پاکستان عضوی از دولت پاکستان بوده و همه آن یک فلم را چرخ می دهند.

اسم: عارف عباسی محل سکونت: کلیفورنیا تاریخ: 08.12.2015

در مورد کنفرانس «قلب آسیا»

همکار محترم آریانا افغانستان آنالین جناب جلیل غنی!

با عرض امتنان از تحلیل جامع و سودمند شما در مورد کنفرانس «قلب آسیا» که سوء تفاهات را در مورد وجه تسمیه این جلسات رفع نموده و بر تاریخچه، اهداف و محلات بر گزاری به صورت متناوب با توافق نظر دائر کنندگان معلومات خوبی اراده نموده است، زحمت شما را سزاوار تحسین می دانم.

در بعضی موارد تذکراتی دارم که به اجازه شما و خوانندگان این سایت ملی به عرض می رسانم:

اول - عقد موافقتنامه راولپندی بین افغانستان و هند برتانوی در سال 1921 میلادی که منجر به اعلام خود ارادیت کامل افغانستان گردید سرحدات قبلاً تعیین شده از طرف جانبین به رسمیت شناخته شد که خط دیورند به حیث سرحد میان افغانستان و هند برتانوی شامل بود. این که در دولت نو به استقلال رسیده افغانستان در عصر امانی، تلاش هایی برای اعاده خاک های غصب شده ای آن سوی خط تحمیلی و استعماری دیورند صورت گرفته باشد اسناد مؤثق در چگونگی این مساعی در دست نیست.

در جریان مذاکرات امضای معاهده راولپندی

لینک مرتبط...